

از سایه تا روشن

نازی بهبودیان



پاییز ۱۳۹۵

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی،
شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan-pub.com
shadan@shadan-pub.com

ناشر

نویسنده: نازی بهبودیان

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۵

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۲۸-۲

کتابخانه ملی: ۴۱۰۸۸۲۵

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

بهبودیان، نازی

از سایه تا روشن - نویسنده: نازی بهبودیان

تهران: شادان ۱۳۹۴ ۵۹۱ صفحه /

(زمان ۱۱۹۹)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۲۸-۲

ISBN: 978-600-7368-28-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

۴ الف ۲۲۳ هـ / PIR ۸۳۳۵

۱۳۹۴

کتابخانه ملی ایران

۸ فا ۳ / ۶۲

۴۱۰۸۸۲۵

یادآوری: کپی حقوق این اثر متعلق
به انتشارات شادان می‌باشد و هرگونه
استفاده از آن بدون مجوز شادان، جرم است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتاب‌های شادان برای قرار
دادن در سایت‌های مختلف، به هر شکل،
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

بازنشستگی از زندگی...

در یکی از آن جمع‌های دوستانه که گاهی حرف و صحبت به موضوعات کمی جدی‌تر می‌رسد بحث بر سر مُردن و آمادگی افراد برای پذیرش مرگ بود. بگذریم از سخن فرسایی برخی از آدم‌ها که در کلام، خود را بیش از واقعیت قدرتمند و شجاع نشان می‌دهند، اما گفتگو به این سؤال رسید که اگر مُردن آدم‌ها به گونه‌ای بود که فرصت یک خطابه را به آنها میداد، آن‌ها چه می‌گفتند؟ به عنوان مثال اگر همچون بازنشستگی رئیس یک اداره جمعی از تمام دوستان و آشنایان و حتی دشمنان سالن (یا شاید استادیوم ورزشی!) می‌نشستند و شما هم به عنوان کسی که قرار است این کرهٔ خاکی را ترک دنیا کنید نا‌دنیای دیگر را دریابیم سخنرانی می‌کردیم، چه حرفی می‌زنیم؟

من بعداً هم به این موضوع فکر کردم و توضیح می‌کنم شما هم این کار را بکنید و خود را در آن موقعیت قرار دهید) و فارغ از یک سری حرف‌های کلی و تعارفات و سخنان اندرزگونه و ژستِ آزاد اندیشی، واقعاً چند حرف داشتیم که حتماً در آن جمع دوست و دشمن بیان می‌کردم:

از آنانی که به عمد یا ناخواسته با من بد کردند قدردانی می‌کردم و می‌گفتم رفتار اشتباه شما بدون هیچ تردیدی مرا قوی‌تر کرد و باعث شد ایستادن در زندگی را بیاموزم. به بسیاری می‌گفتم که بیش از حد، در



سالهای دور و نزدیک مرا دست کم گرفته بودید و همواره بیش از تصور شما درک می‌کردم، هر چند آن را نشان ندادم. البته که بسیاری نیز بیشتر از توانایی‌ام مرا تصور کرده بودند و من در آن اندازه نبودم.

از ارتباط با کسانی که لطف و محبت و گذشت مرا به حساب حماقت و سادگی من و حتی زرنگی خود گذاشتند بسیار پشیمانم ولی فرصتی برای تجدید نظر نیست... و در پایان هم به صراحت می‌گفتم اگر انتخاب به دست من باشد امروز برخی از شما را با دیگرانی که نیستند عوض می‌کردم، چون نه درست و آشنای مؤثری بودید و نه دشمن تاثیرگذاری... فقط بودید که صحنه زندگی خالی‌تر می‌شد. من نیز شاید برای برخی از شما این گونه بودم!

به هر حال اگر جهان مراسم یک فرض و خیال بود ولی در مورد آن فکر کنید و در خطابه خود رئیس مملات معمولی نشوید!

اکنون به قصه خود رسیدیم که موجب تعریف این موضوع شد: داستانی از زندگی که شخصیت هایش برای من واقعیات زندگی، فراموش کردن خیلی از اتفاقات و افراد گذشته را برمی‌گرایسد. حال را زندگی کنند. درست مثل همان تشکری که از دشمنان در ابتدای متن بیان شد. زندگی با کینه گذشته فقط می‌تواند ما را در تلخی‌های خواسته یا ناخواسته بگدازد. این گونه است که زندگی فرصت‌های دوباره‌ای به ما عرضه می‌کند که گذشته را، هر چند سخت و تلخ پشت سر بگذاریم.

امید که مقبول خواست شادانی‌های حرفه‌ای قرار گیرد.

بازنشستگی‌تان مملو از آرامش!

بهمن رحیمی

مهرماه ۱۳۹۵ - تهران

سید الهام